

# استقلال به مثابه قدرت

## عباس عبدي

سیاست‌های رسمی ایران در سال‌های اخیر و در موضوعات گوناگون از جمله آخرین آنها در جنگ اوکراین موجب شده است که نسبت به عدم رعایت یکی از اصلی‌ترین شعارهای انقلاب یعنی «استقلال» حساسیت ایجاد شود. بدون تردید جزییات مفهوم استقلال در ۴ دهه گذشته تا حدود زیادی تفاوت کرده است. چهل سال پیش تصور می‌شد که هر گونه مبادلات تجاری و اقتصادی و خرید تسلیحات، ممکن است کشور را وابسته کند. اکنون این گزاره حداقل در موضوع روابط تجاری گفته نمی‌شود. زیرا این روابط بیش از میزانی که کشور را وابسته کند، قدرتمند هم می‌کند. آنچه که در چهار دهه گذشته ایران را وابسته کرده، نفت و درآمدهای آن بود که همچنان وجود دارد. وابستگی متقابل با وابستگی یکسویه فرق دارد. آنچه که مذموم است وابستگی یکسویه است. به عبارت دیگر نقض استقلال و قدرت تصمیم‌گیری در یک کشور عموماً ناشی از وابستگی یکسویه است. در ماجرای اوکراین بیشترین انتقادات به دولت و رییس‌جمهور جدید آن کشور این است که چرا سیاستی را پیش گرفت که از یک طرف حساسیت روسیه را ایجاد می‌کند و از طرف دیگر مقابله کردن با این حساسیت را منوط به حمایت ناتو و غرب کرده است. چنین سیاستی، بیش از هر چیز دیگر مردم کشور را منفعل و ذلیل می‌کند. در واقع دولت اوکراین با دست خود مردم و جامعه اوکراین را پیشاپیش از صحنه حذف و قدرت ملی را نابود کرده است. اینکه رییس‌جمهور اوکراین بیاید و در کنار سربازان حاضر شود، خوب است، ولی وظیفه مهم‌تر او این بود که سیاست اشتباهی را پیش نگیرد که کار به اینجا برسد که از حکومت‌هایی پاسخ منفی بگیرد که تمام امیدش به آنان بود. اکنون می‌باید پرسید که آیا موضع ایران در برابر جنگ اوکراین معرف استقلال کشور است یا خیر؟ پاسخ کوتاه من این است که خیر! این بدان معنا نیست که لزوماً معتقد باشم ما حتماً می‌بایست حمله را محکوم کنیم یا لزوماً سکوت کنیم. این بحث دیگری است. منظور از استقلال این است که آیا گزینه‌های دیگری پیش روی خود داشتیم که آنها را انتخاب نکردیم یا این موضع تنها گزینه ما بود؟ ما پیشتر در حمله شوروی به افغانستان علیه روسها موضع‌گیری داشتیم و حتی سال بعد نیز المپیک مسکو را در کنار غربی‌ها تحریم کردیم.

به راحتی می‌توانستیم آن مسابقات را تحریم نکنیم، ولی میان این دو گزینه، تحریم را انتخاب کردیم. گرچه در تقابل با امریکا هم بودیم و بعداً هم جنگ شد و این موضع‌گیری برای ایران هزینه داشت، ولی بازتاب سیاسی آن را در داخل و اعتماد به نفس مردم و حضور موثرشان در جبهه‌ها را شاهد بودیم. درباره موضع‌گیری نسبت به جنگ اوکراین، به نظر می‌رسد که ایران به گونه‌ای رفتار کرد که گویی هیچ گزینه دیگری برای خود باقی نگذاشته بود و این همان مشکلی است که وجود دارد. ما در حمله اول و دوم امریکا به عراق عملاً بیشترین سود را از این حمله‌ها بریدیم ولی هیچگاه آنها را تایید نکردیم. در حمله به افغانستان هم همین طور. شاید بگویند چون امریکا مهاجم بود و طبیعتاً نمی‌بایست آن را مشروع جلوه داد ولی فراموش نکنیم این حملات دو دشمن در شرق و غرب ایران را در آن مقطع به حکومت‌هایی به نسبت همسو و دوست تبدیل کرد، بگذریم از اشتباهات بعدی که امتیاز شرق را تبدیل به ضد امتیاز نمود، ولی در همه این موارد ایران استقلال تصمیم‌گیری خود را نشان داد. ولی در ماجرای اوکراین چنین نیست. شاید محکوم کردن آن از سوی دولت نیز درست نباشد، زیرا نفع چندانی برای ایران ندارد، ولی این نحو گفت‌وگوهای تلفنی و این نحو موضع‌گیری رسانه‌های رسمی، بازتاب‌دهنده استقلال سیاسی و رسانه‌ای کشور نیست. ایران حتی اگر بخواهد از این اقدام حمایت کند، باید نشان دهد که از میان گزینه‌های ممکن حمایت را آگاهانه انتخاب کرده است و می‌توانسته انتخاب دیگری هم داشته باشد. چرا به چنین وضعی افتاده‌ایم؟ به همان دلیلی که رییس‌جمهور اوکراین در تقابل با روسیه روی غرب حساب کرد، در تقابل با غرب نیز نباید روی روسیه یا چین حساب کرد. کشورها دنبال منافع خود هستند، اخلاق و حتی تعهدات بین‌المللی در برابر منافع به حاشیه خواهند رفت. این درسی است که جنگ اوکراین می‌دهد، اگر بگیریم. استقلال منشا قدرت است. آن را باید در بهبود روابط داخلی جست‌وجو کرد. خود دانید.

منبع: روزنامه اعتماد 8 اسفند 1400 خورشیدی